

ایران

امام‌رضا(ع):

چه نیکوست آن خاموشی‌ای که از روی درماندگی «درسخن گفتن» نباشد! و برای پُرگو لغزش هاست .

سخن‌روز

گزیده حکمت نامه رضوی، صفحه ۴۶۸

نگاره



طراح:nourfaraj

فضای مجازی

حال و هوای «این روزها»ی احسان خواجه امیری

دهمین آلبوم رسمی احسان خواجه‌امیری با عنوان «این روزها» منتشر شد. آهنگسازی این اثر بر عهده علیرضا افکاری بوده است. احسان خواجه‌امیری با انتشار این خبر در صفحه اینستاگرامش نوشت: «این معجزه عشق است که به نفس‌های همیشگی ما جرات شنیده شدن می‌دهد.

در این روزهایی که حقیقت چون سایه‌ای لغزان در گریز است، همین نت‌های منظم و منطقی هستند که می‌توانند ما را به اعماق وجودمان برگردانند. برگردیم و مرور کنیم مسیر پشت‌سدر را. این سکوت‌ها و این صداها، وسپیل‌های خواهند شد برای اندیشیدن و درک کردن جهانی‌که امروز تفکر، نایاب‌ترین فعل مردمان آن شده است…» «یارون خیابونا رو میپنده»، «این روزها»، «چیزی نخواست»، «تماشایی»، «دینی نیست»، «تنها آدم»، «میشه برگردی»، «مرهم» قطعات آلبوم «این روزها» از قطعات این آلبوم هستند.

واکنش معتمدی به یک خبر

نادره رضایی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اولین دیدار با اعضای خانه موسیقی اعلام کرده، «معاونت هنری این‌آبادگی را دارد که مجوزها به صنف سپرده شود.» محمد معتمدی در واکنش به این خبر با انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرامش نوشت: «ضمن احترام و تعظیم خدمت همه اساتید بزرگوارمان در خانه موسیقی، یادآوری می‌کنم بیمه هنرمندان موسیقی که به خانه موسیقی واگذار شد، بسیاری از هنرمندان از جمله اینجانب که عضو خانه موسیقی نبودیم بیمه‌هایمان قطع شد. اگر روال همان روال باشد، مجوزهایمان هم قطع خواهد شد.»

اظهارنظر یک مجری قدیمی، برای بچه‌های دهه ۶۰

گیتهی خامنه، مجری مطرح برنامه‌های کودک و نوجوان دهه شصت در یک گفت‌وگو اظهار کرده، هیچ بچه‌ای خوشبخت‌تر از بچه‌های دهه ۶۰ وجود ندارد! صحبت‌هایی که بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی داشت.

او در گفت‌وگو با اکبر نبوی به نکات تازه‌ای درباره تفاوت نسل‌ها اشاره کرده و گفته است: «از بابتی فکری‌کنم، هیچ بچه‌ای خوشبخت‌تر از بچه‌های دهه ۶۰ نبودند، چون کم‌توقع بودند و راحت راضی می‌شدند. اما اتفاقی که افتاد زمانی بود که همین نسل پدرموادر شدند و اجازه ندادند بچه‌های این نسل برای برآورده شدن خواسته‌هایشان انتظار بکشند…»

کریسمس در دنیای مقوایی

طبق معمول این روزهای سال، کم‌کم فیلم‌های کریسمسی روی پرده سینماهای اروپا و آمریکا می‌آیند: از مولودرام‌های آتکی تا کمدی رمانس‌ها و کمدی‌های الکی و بالاخره فیلم‌های هراس‌هزاربار تکرار شده و انیمیشن‌ها که بیشتر به بایانوتل یا سانتا کلاوز می‌پردازند و درخت کریسمس و… و «یک داستان تقریباً کریسمسی» تقریباً زود خودش را به اکران رسانده، یک انیمیشن به شیوه Stop Motion ساخته فیلمساز به نام دیوید لاوری که چندان تجربه کار انیمیشن نداشته‌اند ازهفت سالگی فیلم ساخته که چندتای آنها بیشتر برایمان آشناست.

مثل «شوالیه سبز» یا شرکت دو پتال و «مرد پیر و اسلحه» یا شرکت رایبرت رد فورد و فیلم عجیب و غریب «یک داستان روحی» که روح یک عاشق در انتظار و جست‌وجوی معشوقش، قرن‌ها و قرن‌ها در یک خانه باقی می‌ماند!

«یک داستان تقریباً کریسمسی» یک انیمیشن ۲۰ دقیقه‌ای درباره جغدی کوچک به نام «مون» است که به خاطر بازیگوشی، برای فرار از دست یک پرنده شکاری به توصیه پدرش داخل درختی پنهان می‌شود که از قضا برای درخت کریسمس راکفلر پلازای نیویورک انتخاب شده و بریده می‌شود. او درون آن درخت در انتظار پدرش مانده ولی از غوغای کریسمسی شهر نیویورک غافلگیر شده و بیرون می‌آید و گذارش به یک زمین اسکیت یخی می‌افتد: نکته قابل توجه اینکه لاوری و همکارانش در «یک داستان تقریباً کریسمسی»، فضای شهر نیویورک را با مقواهای مستعمل و نیمه‌مستعمل ساخته و بجز مون و لونا و ۳ کبوتر و یک سگ (و البته راوی داستان که گیتار می‌زند)، بقیه آدم‌ها و افراد، تخت و دویعدی نمایانده می‌شوند که لاوری عمداً آنها را از عرض به شکل مقوایی تخت‌نشان می‌دهد. حالا راوی گیتاریست قصه، تعریف جدیدی از کریسمس می‌دهد که اصلاً به معنای درخت کریسمس و برف و نور در تاریکی نیست، بلکه به هم رسیدن آدم‌ها و دل‌هایشان را می‌توان از آن برداشت کرد، حتی اگر دقیقاً به اسم #کریسمس نباشد!

• **صاحب امتیاز:**

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:**

علی متقیان

نوا

موسیقی بهجت‌آمیز^(۳)

نویدی که در تن‌پوشی از نوای خوش به ماهدیه می‌شود

مهم این است که موسیقی بهجت‌آمیز، موجب تنزیه می‌شود. تنزیه ازآلودگی‌ها وآفات. زیرا روح درسرفروخوانی خود، باید سبکیال باشد تا بتواند اوج بگیرد. برای سبکیالی، باید سبکیار باشد. سبکیار ازآلودگی وآلایش.

آلودگی‌های روح، جزتختلی ازاخلاق و بارگناه نیست. روح کرانبیار، پرواز نتواند. بیال پروازش، ضعیف ونا توان است. هرقدراجاز از پرواز باشد، به برین نمی‌رود. زیرا بری ازآلودگی نیست. روح آلوده، می‌ماند. مقیم می‌شود. زمینگیرمی‌شود. روح مقیم، به مقام خود دل می‌بندد. دل بندی موجب ماندن می‌شود و ماندن، بال را خشک می‌کند. بال بسته و خشک، عاجز از پرواز برزمین می‌ماند و بجای آسمان، در زمین سیرمی‌کند. سیر درزمین، سیر درتکرارها و یکتواختی‌ها و روزمرگیهاست. روزمرگی، انحصاد روح است. روزمرگی، سرنیست. گذراندن است. یاری به هرجهت سپری کردن است. گذر درزمین و یکتواختی‌هایش، ماندن درقفس عادت وسلیقه‌های معتاد است. سلیقه‌هایی که جزبه برکه که عمق و ناصاف، که نتیجه ماندن واقامت است، ختم نمی‌شود ونهایی جزبی نهایت تکرار و ملالت ندارد. سلیقه‌های معوج ومریض که زیبایی را از دم تیغ زشتی می‌گذراند و زشتی را زیبایی می‌خواند و چهارچوب زیبایی شناسی را شکسته و وارونه می‌کند و اعوجاج را کمال زیبایی می‌داند. پس بهجت، حال خوشی است که با پرواز روح دست می‌دهد و موسیقی بهجت‌آمیز، خوش احوالی مخاطبان را درپی سسفر روح به اقالیم آسمان وسیرملکوتی است. موسیقی بهجت‌آمیزچیست؟ نویدی است که در تن پوشی ازنوای خوش به ما هدیه می‌شود. مزدهای است که به لحنی جانفزا وجودمان را لبریزمی‌کند. آوای شوق انگیزی است که روح را جلا می‌دهد، دل را صفا می‌دهد و زندگی را پر از اشتیاق می‌کند. از کجا می‌آید این آوای دوست؟ از سوی یار مهربانی که نغمه روح پرور و روان بخش زندگی را سرمی‌دهد و ارتعاش مهربانی را درزندگی آکنده می‌کند. چگونه نیوایش آن باشیم؟آنگونه که گوش خود را از هرزه صداهای ناموزون و نامناسب و ناخوشایند، درمان نگه داریم. هرزه صداهایی که اطراف و زندگی ما را اشباع کرده‌اند و بسان خوره، روح ما را عذاب می‌دهند.

پیامبر(ص) فرمودند: اگر گوش خود را از شنیدن ناحق و چشم خود را از دیدن آن، محافظت کنید، می‌شوید آنچه را من می‌شنوم و می‌بینید آنچه را من می‌بینم. پس نوای بهجت شنیدنی است. به شرط آنکه از شنیدن غیرآزان پرهیزکنیم. اساساً برای رسیدن به بهترین باید به غیرآن «نه گفت». لاله، شرط تقرب به‌الله است. پرهیز شرط رسیدن به مطلوب و محبوب و معشوق است. اصلاًاگر پرهیز نداری، بدان که محبوب نداری. محبوب، بی‌پرهیز رخ نمی‌نماید. آنکه رنج پرهیز نبرده، لذت دیدار نمی‌برد. شنیدن و دیدن یار با شوکران پرهیز میسر است. پرهیز، عذاب فراهمی است که وعده محبوب را با خود دارد. پیش از یافتن یار، عذاب است و پس از دیدارش، بی‌نیازی ازغیراوست. برای یافتنش، باید دل را صفا داد تا لحظه دیداررخ دهد و دل را جلا گیرد. پس شنیدن هر شبه و شیخی، ردی از زنگار برروح می‌گذارد و روح را آلوده می‌کند. روح آلوده، چون بی‌صفایی است که پذیرش آوای یار را ندارد. چون استعداد دریافت ندارد. زمینش هموار و مساعد نیست.

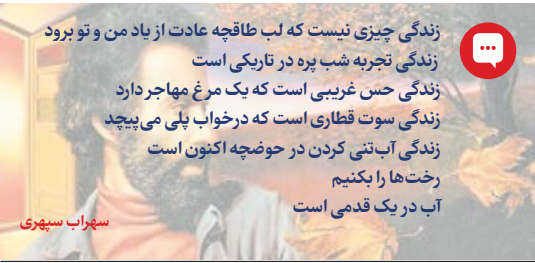
زمین نامساعد، بَر مساعد ندارد. در زمین نامناسب، خس و خاشاک و علف‌های هرز رویش می‌کند. رویش انبوه هرقدر بیشتر، امکان ثمرکتمر. پس باید با پرهیز، زمین روح را از آلودگی و هرگز، محافظت کرد و آن را مهیا نمود.

● **عکس: میراث‌اپا**

● **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
● **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
روابط عمومی ● **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
● **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
● **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
● **توزیع:** نشر گستر امروز
● **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
● **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
● **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ (۰۲۱)
● **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید



● **نما**



چه ویژگی‌هایی «خانه‌ما» را تبدیل به اتفاقی امیدوارکننده در تلویزیون کرده است؟

این «خانه» دور نیست…

بله هنوز هم می‌توان امیدوار بود! چند سالی می‌شود که انتقاد از عملکرد صداوسیما و بازنشر آمارهای

نگران‌کننده مرتبط با میزان مخاطبان برنامه‌های مختلف تلویزیون، تبدیل به سکه رایج در فضای رسانه‌ای شده است و گویی حتی دیگر تند و تیزترین نقدها در

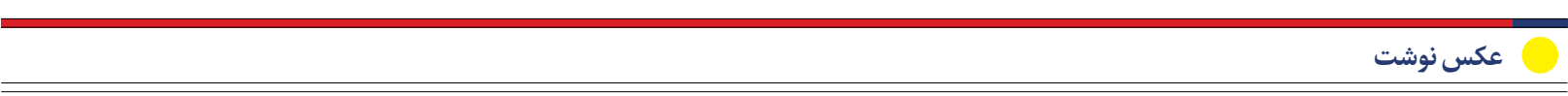
این زمینه هم‌مزه و تازگی خود را از دست داده است. در چنین شرایطی کمی سخت است که بخواهیم درباره امیدواری‌ها صحبت کنیم اما با تأکید معتقدم هنوز هم می‌توان امیدوار بود.

بخش عمده‌ای از اتفاق‌های مبارک در قباب تلویزیون در دهه‌های گذشته هم اتفاقاً مولود شرایطی هستند که در نمای درشت و به قول سنیماهی‌ها در لاتگ‌شات، هیچ چیز سرجای خود نبوده و نابسامانی‌ها بیش از سامان‌ها در معرض دید قرار داشته‌اند. پس در چنین شرایطی بیشتر باید متوجه امیدواری‌ها بود و حتی از آنها مراقبت کرد. یکی از مهم‌ترین نکاتی که طراحی، تهیه، تولید و پخش یک برنامه تلویزیونی را می‌تواند تبدیل به بهانه‌ای برای امیدواری کند، انطباق دستاوردها و مأموریت‌هاست.

نکنه‌ای که فارغ از زرق و برق تولید یک برنامه، غالباً در ارزیابی‌های داخلی و بیرونی، درباره تولیدات صداوسیما نسبت به آن بی‌توجهی می‌شود. مجموعه مستند «خانه‌ما» که در قالب ژانرلیتی‌شو طراحی و تولید می‌شود، یکی از همین تولیدات است که فارغ از هر ارزیابی درباره کیفیت فنی و محتوایی، در کلیت آن شاهد انطباقی حداکثری میان مأموریت‌ها و دستاوردها هستیم. برای استدلال درباره این گزاره، باید به عقب برویم و ببینیم ایده اولیه تولید چنین برنامه‌ای چه بوده است و سازمان اوج، با چه رویکردی سرمایه‌گذاری روی چنین پروژه‌ای را در دستور کار قرار داده و عواملی که تا به امروز پای فصل‌های مختلف آن ایستاده‌اند، چه هدفی را دنبال می‌کرده‌اند؟

آنچه مشخص است، اصلی‌ترین مأموریت این برنامه که در طراحی فضای روایت آن هم نمود عینی پیدا کرده، توجه و تأکید بر «حریم خانواده» بوده است؛ حریمی که می‌تواند سخت‌ترین سختی‌ها را بر اعضای یک خانواده، سهل کند و دشوارترین گره‌های بازنشدنی در آن، به راحتی از هم گشوده می‌شود. مجموعه مسابقه مستند «خانه‌ما» در همین چند فصلی که از آن به آنتن رسیده، توفیق قابل‌توجهی در انجام این مأموریت داشته است. خانواده‌هایی که به‌عنوان شرکت‌کننده در قاب این مسابقه حاضر شده‌اند، فراتر از تقابل با تیم حریف، به‌واسطه تعامل در تیم خود، تبدیل به ستاره می‌شوند و هنر کارگردانی و نویسندگی این مجموعه هم آنجا عیان می‌شود که از همین کاراکترهای معمولی «قهرمان» خلق می‌شود.

نکنه مهم‌تر اما اینجاست که در قاموس برنامه «خانه‌ما» اساساً خبری از «قهرمان فردی» نیست و آنچه امکان و استعداد تبدیل شدن به یک قهرمان را دارد، چیزی جز «خانواده» نیست. یعنی هر خانواده، فراتر از ویژگی‌های فردی و توانمندی‌های تک‌تک اعضا، به‌واسطه مجموعه پارامترهایی که می‌توان آنها را در قالب واژه‌هایی چون تعامل، ایثار و روحیه جمعی بازتعریف کرد، قابلیت تبدیل شدن به «قهرمان» را پیدا می‌کند. براساس همین منطق هم طراحی آیت‌های مختلف رقابت به‌گونه‌ای است که گاهی شاید همه جمع، با یک اشتباه فردی، طعم باخت را مزه کنند و در مقابل، همه جمع به‌واسطه یک قابلیت فردی، به ذوق و اشتیاق حاصل از برد برسند. «خانواده» قهرمان اصلی «خانه‌ما» است و این همان مأموریتی است که به نظر می‌رسد به تحقق رسیده است. تولید و پخش برنامه‌هایی از این دست که دستاوردهایی منطق‌پر مأموریت‌های اصلی خود دارند، یکی از همان اتفاق‌هایی است که هنوز کمیت‌شان در قصاب تلویزیون به صفر نرسیده و فارغ از کیفیت، می‌توان به آنها امیدوار بود.



تالاب هورالعظیم آخرین بازمانده تالاب‌های بین‌النهرین است که در جنوب غرب کشور در مرز ایران و عراق قرار دارد. یک‌سوم این تالاب، با مساحت بیش از ۱۲۰ هزار هکتار در ایران و دوسوم آن در عراق است. چهار میدان نفتی آزادگان شمالی، آزادگان جنوبی، باران شمالی و باران جنوبی در این تالاب فعال هستند.

● **عکس: میراث‌اپا**